

ناگفته‌های تعطیلی ارکستر سمفونیک تهران در گفت‌وگو با «منوچهر صهبایی»:

نگذاشتم چراغ ارکستر سمفونیک خاموش شود

طا هره رحیمی



عکس: آندریا رهبر شرق

دیگری هم که وجود داشت، این بود که قراردادها را دفتر موسیقی می‌نوشت، اما انجمن موسیقی باید آن را تایید و قراردادها را امضا می‌کرد. من از دفتر موسیقی می‌خواستم که قراردادها را بنویسد، نوازندگان هم آن را امضا می‌کردند، بعد هم دفتر موسیقی آنها را برای انجمن می‌فرستاد، اما نمی‌دانم واقعا به چه علت انجمن امضای آنها را طول می‌داد. بارها تماس می‌گرفتم، اما خبری نمی‌شد. آنقدر این ماجرا ادامه پیدا می‌کرد تا صدای نوازنده‌ها هم درمی‌آمد و بالاخره آقای مدیرعامل پس از دو، سه‌هفته زحمت می‌کشیدند و آنها را امضا می‌کردند. بعد که نوبت به پرداخته‌ها می‌رسید، بازهم این بازی‌ها تکرار می‌شد.

❧ چنین حقوقی برای نوازنده‌ها در آن زمان کم نبود؟

در تمام دین حقوق نوازندگان یک ارکستر تقریبا به اندازه حقوق کارمندان دولت یا معلم‌هاست. قانون وزارت ارشاد حقوق نوازنده را اینطور تعیین کرده و من نمی‌توانستم آن را تغییر دهم. اما همان‌طور که گفتم برای این مشکل راه‌حل‌هایی داشتیم؛ چون یک نوازنده مثلا در مقایسه با یک کارمند دولت، هزینه‌های دیگری مثل خرید یا تعمیر ساز دارد و باید کمکش کرد، به‌طور مثال اگر ارکستر برنامه‌های فوق‌العاده و خارج از برنامه می‌داشت، یک مبلغ دیگری به نوازنده‌ها پرداخت می‌شد. ما به تمام راه‌حل‌های ممکن برای افزایش دریاقتی نوازنده‌ها فکر کردیم، اما مشکل ار کستر، متأسفانه برخی نوازندگان بی‌تعهد بودند که کار نمی‌کردند و فقط می‌گفتند که حقوق ما کم است.

❧ نوازنده‌ها برای دریافت مبلغ ۲۰۰تا۳۰۰هزار تومان در سال ۸۶ باید چقدر کار می‌کردند؟ برنامه تمرینات چطور بود؟

در تمام هفته اگر تعطیلی پیش‌بینی‌نشده‌ای رخ نمی‌داد و مشکلی پیش نمی‌آمد، ارکستر باید ۵ ساعت در هفته سر تمرینات حاضر می‌شد؛ یعنی سه‌ساعت تمرین در هرروز؛ در حالی که یک کارمند دولت باید در هفته ۴۰ساعت کار کند. من برای آنکه از آنها حمایت کنم و به دلیل این کمبود ساعت مشکلی پیدا نکنند، با دفتر موسیقی صحبت کرده بودم که نوازنده‌ها سه، چهارساعتی هم در منزل تمرین خواهند کرد. با آنکه می‌دانستم بعد است چنین کاری کنند، اما به این ترتیب مشکل اداری کمبود ساعت کار نوازنده‌ها برطرف می‌شد. آنها برای جبران این کمبود حقوق می‌توانستند بعدازظهرها در استودیو مثلا موسیقی فیلم ضبط یا تدریس کنند. در مورد ساعت شروع تمرین، من از آنها خواسته بودم که نیم‌ساعت زودتر سر تمرین حاضر شوند تا خود و سازشان را آماده کنند و راس ساعت بتوانوی تمرین را شروع کنیم. در میانه تمرین هم ۲۰ دقیقه‌زمان استراحت داشتیم. اما این سه‌ساعت را با یکریع، ۲۰دقیقه تأخیر شروع می‌کردیم و زمان ۲۵دقیقه‌ای استراحت هم گاهی تا ۴۵دقیقه ادامه پیدا می‌کرد؛ چون طول می‌کشید که نوازنده‌ها برگردند و سر جایشان بنشینند. بعضی‌ها هم در این زمان ۲۰دقیقه‌ای، به جای استراحت می‌رفتند خرید می‌کردند، بعد من‌هن‌کنان پاکت خریدشان را همان کنار می‌گذاشتند و سازشان را برمی‌داشتند البته این موارد را ندانم؛ کار‌های مدیر داخلی ارکستر بود. با چنین وضعیتی بعضی نوازنده‌ها می‌خواستند که تمرینات به دو روز در هفته کاهش پیدا کنند. این نشان از یک بیماری تنبلی دارد که متأسفانه در ارکستر شایع شده بود. در کار دسته‌جمعی باید کار را با هم شروع و با هم تمام کرد و حتی غیبت یک نفر هم می‌تواند به‌کار ضربه بزند. در همه جای دنیا معمولاً ارکستر‌ها دو تمرین در طول روز دارند، یکی صبح و دیگری بعدازظهر. به‌همین دلیل است که آنها می‌توانند در عرض دو، سه‌روز آماده اجرا شوند و ما باید بیشتر از یک‌ماه تمرین می‌کردیم.

 	 	
البته قرار نیست وقتی آدم وارد جایی می‌شود، همه چیز را به هم بریزد تا به شرایط ایده‌آل برسد. باید سعی کرد که به مرور راه و چاره را یافت و در حد ممکن امور را اصلاح کرد. به همین دلیل من با این مساله کنار می‌آمدم. یک رویه غلط دیگری هم که وجود داشت، این بود که قراردادها را دفتر موسیقی می‌نوشت، اما انجمن موسیقی باید آن را تایید و قراردادها را امضا می‌کرد		

❧ به همین دلایل برخی نوازنده‌ها شما را فرد سختگیری در ارکستر می‌دانستند؟
از سال ۵۴ که از ایران رفتم، علاوه بر تحصیلاتم در ایران و نوازنگی در ارکستر سمفونیک تهران، بالاترین مدارک تحصیلی کنشورهای اروپایی را در رشته نوازندگی ابوا، رهبری ارکستر و موسیقی و هنرشناسی تا دوره دکترا گرفتم. در ۲۸ سال کاری، هفت‌روز هفته تمام سال را از صبح تا شب با ارکسترهای اروپایی کار کردم. همه این سال‌ها نوازنده، رهبر ارکستر، مدیر هنری و مدیر فستیوال بودام و می‌دانم کار یک ارکستر چگونه است و این عملکرد چیزی نبود که من ابداع کرده باشم؛ یک روال معمول است. در هر ارکستر حرفه‌ای از نفر اول تا نفر آخر ارکستر باید در تمام تمرینات حاضر باشند و انتظار این است که وظیفه‌شان را به نحو احسن انجام دهند و هیچ دلیلی به‌غیر از بیماری یا نداشتن توانایی باعث غیبت یک نوازنده از تمرینات باشد. در استاندارد یک ارکستر نوازنده نباید بعد از ساعت شروع تمرینات به ارکستر برسد و اگر نوازنده‌ای حتی یک‌دقیقه تأخیر داشته باشد، جریمه‌ای سنگین معال یک‌روز حقوق از او کسر می‌شود. اگر در یک دوره کوتاه، غیبت‌ها و تأخیرها تکرار شود، نوازنده باید به شورای انظلمات ارکستر پاسخگو باشد. اگر نتوانست آنها را قانع کند، او مهلت داده می‌شود که اشتباهش را تصحیح کند و اگر نتوانست همان روز باید ارکستر را ترک کند. کسانی که قبل از انقلاب هم با ارکستر سمفونیک تهران کار می‌کردند، می‌دانند که در زمان آقای اف‌هاد مشکلات سختگیری از این هم بیشتر بود و نوازنده‌ها باید یک‌ربع قبل از تمرینات در ارکستر حاضر می‌شدند، در غیر این‌صورت جریمه می‌شدند. من بارها به نوازنده‌ها گفتم که اگر کسی از این شرایط ناراضی است یا حقوقش پایین است، می‌تواند استفاده‌نمی‌شود.به بهانه پایین‌بودن حقوق، سر تمرینات حاضر نشد و اختلال ایجاد کرد. از این گذشته همان‌طور که گفتم اگرچه حقوق آنها پایین بود، اما ساعت کاری‌شان هم کم بود و می‌توانستند به کارهای مثل ضبط و تدریس بپردازند. در آن زمان حقوق

ماهانه یک نوازنده حدود ۲۰۰هزار تومان بود، اما آنها می‌توانستند با یک ضبط یک یا دوروزه حدود یکمیلیون تومان درآمد داشته باشند. این دستمزدها متعادل نیست، اما من به‌عنوان یک رهبر ارکستر مسوول برقراری این تعادل نیستم. از این گذشته یک هنرمند که تنها هدفش درآمد و پول نیست. در تاریخ هنر جهان هنرمندان بزرگ مثل موتزارت، شوپرت و… گاهی حتی ناب‌شن‌شان را نداشتند، اما هنر برایشان در اولویت بود. مطمئن باشید هنرمندی که با عشق و علاقه خود را به این سطح رسانده، با تلاوم کار هنری‌اش پول و درآمد هم سراغش خواهد آمد. من در تمام عمرم از روزی که وارد ارکستر سمفونیک شدم تا وقتی در ارکسترهای اروپایی مشغول شدم، سعی کردم کارم را به بهترین نحو انجام دهم. آن‌هم در کشورهایی که خود مهد موسیقی کلاسیک هستند و رفتن یک موسیقیدان از اینجا حکایت زیره به کرمان بردن است. علاوه بر این چون شما از یک کشور جهان‌سوم به آنجارقابند، همیشه یک پیشداوری نسبت به شما وجود دارد. باید یک سروگردن از آنها بالاتر باشید تا به چشم بیایید. من به این درجه‌ها رسیدم و هیچ‌وقت به این مسائل و پول فکر نکردم قطعاً قرار هم نیست کسی مجانی کار کند، اما یک نوازنده مثل هر فرد دیگری باید اولویت‌هایش را در زندگی مشخص کند.

❧ علاوه بر تمام این مسائل، مهم‌ترین علت جدایی‌تان از ارکستر سمفونیک چه بود؟

در آن زمان، یعنی اردیبهشت سال ۸۹ که همکاری من با ارکستر سمفونیک به انتها رسید، دفتر موسیقی بدون مدیر کل مانده بود و معاون هنری جدید هم هیچ اطلاعی از وظیفه‌ای که بر عهده گرفته بود، نداشت. او اطلاع نداشت در قراردادی که مسئولان قبلی با من منعقد کرده‌اند، ذکر شده که تمام برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ارکستر برعهده اینجانب است، دعوت از رهبر میهمان هم چیزی از آن وظایف بود و هیچ‌کسی اجازه دخالت در آن را نداشت. او حتی تفاوتی میان رهبر دایم و رهبر میهمان نمی‌دید. من مشغول برنامه‌ریزی و پیگیری قراردادهای ارکستر بودم که یک‌دفعه به من اطلاع دادند که ما از یک رهبر میهمان دعوت کرده‌ایم که برای اجرا به تهران بیاید. من هم گفتم چنین کاری باید با برنامه‌ریزی و توافق انجام می‌شد و حالا که شما خلاف قرارداد و روال حرفه‌ای عمل کرده‌اید پس خدانگهدار.

❧ اصراری برای ماندن نکردند؟

اصلا کسی در آنجا نبود. معاون هنری از چیزی خبر نداشت، مدیر کل دفتر موسیقی وجود نداشت و انجمن موسیقی هم که وضعیتش روشن بود. چند نوازنده بی‌نظم، با مدیرعامل انجمن موسیقی، در کنار تمام مشکلات ضربه آخر را زدند. دیدم که نه دیگر نمی‌توانم ادامه دهم.

❧ انجمن موسیقی بعد از حاشیه‌های رفتن شما موضوع پایان قرارداد با شما را مطرح کرد؛ از اول قرار بود که تا چه مدت با ارکستر کار کنید؟
وقتی که آنها سه‌ماه قبل از لغو قرارداد، پایان قرارداد را کتبا اعلام نکردند، من طرفین با هر دو آنها سه‌ماه قبل از لغو قرارداد، پایان قرارداد را کتبا اعلام نکردند، همکاری ادامه می‌یابد. درباره قرارداد من با ارکستر سمفونیک تهران هم، قرارداد ما طولی‌المدت بود. ولی همان‌طور که گفتم قرارداد پرداخت‌های مالی را دو، سه‌ماه پس از شروع کار می‌نوشتند. موضوع پایان قرارداد را هم مدیرعامل انجمن موسیقی، با سوءاستفاده از صندلی خالی مدیر کل دفتر موسیقی، به رسانه‌ها اعلام کرده بود. او شخصی بود که اطلاع چندانی از امور مربوط به موسیقی و مسائل مرتبط با آن نداشت و در دوره حضورش در انجمن موسیقی، به غیر از صدمه‌زدن به موسیقی و موسیقیدانان کاری انجام‌نداد.

❧ یکی دیگر از مسائل حاشیه‌ساز هدایت ارکستر بارهبران میهمان بود، به‌نظر‌تان این کار درستی بود؟

اگر کسی تصور کند هدایت یک کشور بدون رییس‌جمهور یا نخست‌وزیر ممکن است یا برای اداره یک کشور می‌شود از مسوولان کشورهای دیگر استفاده کرد، در این‌صورت این کار را می‌شود با ارکستر سمفونیک هم انجام داد. اما قطعاً هر آدم عاقلی می‌داند که این کار غیرممکن است. من چندسال قبل در آخرین مصاحبه‌ام گفتم که ارکستر سمفونیک تهران را نمی‌توان بدون رهبر دایم هدایت کرد، اما مشاوران یا مسوولان بعدی اصلاً متوجه این مسأله نبودند. کار رهبر میهمان یک چیز است و وظیفه رهبر دایم چیز دیگر. اصولا در هیچ‌جای دنیا بدون رهبر دایم ارکستری کار نمی‌کند. برنامه‌ریزی برای ارکستر، تصمیم‌گیری درباره دعوت از رهبران میهمان و قطعات اجرایی در ارکستر با پیشنهاد و برنامه‌ریزی رهبر دایم انجام می‌شود. رهبر میهمان فقط می‌آید و رهبری می‌کند و می‌رود. هیچ فرد عاقلی حل مشکلات زندگی‌اش را با میهمان در میان نمی‌گذارد.

❧ خوب، یک کار اینقدر غیرمنطقی چرا اصلاح داد؟

به خاطر اینکه افراد غیرمطلعی در صدر چنین تصمیمی بودند. چند نوازنده سراغ انجمن رفتند که ما می‌خواهیم با رهبر میهمان کار کنیم و مسوولان وقت هم نمی‌دانستند که پشت این حرف‌ها از زیر کار در رفتن است. همین افراد باعث شدند که این ارکستر از بین برود. آن روز این کار را کردند و بعد از یکسال‌وَنیم درختی که کاشتنده میوه‌دار و ارکستر سمفونیک تعطیل شد. یکی از دلایلی که شاید باعث شد کار به آنجا برسد، آن بود که من با این‌اخلاگران برخورد نکردم. قرارداد من صراحتاً این اجازه را داده بود که تصمیم‌گیری درباره محل نشستن نوازنده‌ها، ادامه حضورشان در ارکستر و استخدام نوازنده‌های جدید بر عهده من باشد، اما من از این اختیاراتم استفاده نکردم و با مهربانی و انسان‌دوستی با این افراد رفتار کردم. رفتاری که بعضی نوازنده‌ها انجام دادند، اگر در هر ارکستری مرتکب شده بودند، مساوی بود با اخراج دایمی‌شان از آن ارکستر. اما من همیشه تحمل و فکر می‌کردم که نرمش و گذر زمان آنها را اصلاح می‌کند و دلیل این رفتارهای غیرحرفه‌ای و حتی غیراخلاقی این افراد آن است که ارکستر دیگری را ندیده‌اند، اما متأسفانه بسیاری متوجه این فداکاری‌ها نشدند.

ادامه در صفحه ۱۱

سه‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۸۰ • ۷

شرق روزنامه

هنر • جهان

مصر نیازمند فردی قوی است	صفحه ۸
انقلاب بی‌انتهای بحرین	صفحه ۹
رفع تشنگی به قیمت رانش زمین	صفحه ۱۰

سمفونی	
ارکستر سمفونیک تهران، چگونه و چرا به خواب رفت؟	
خواب‌های طلایی	

در اوّلین روزهای روی کارآمدن دولت جدیدبود که خبر بازگشایی «خانه سینما» منتشر شد؛ مرکزى کبىل از روی کارآمدن دولت جدید، قول بازگشایی‌اش داده

شده بود. در میان وعده‌های دولت جدید، تنها خبری که وجود نداشت، قول سامان گرفتن ارکستر سمفونیک تهران بود، چراکه هنوز نام موسیقی به‌سختی به لبان دولتمردان می‌آید، چه برسد به نامی غریب که «ارکستر سمفونیک تهران» باشد! ارکستر سمفونیک هر کشور، نماد بضاعت هنرى و توان ىلى یک ملت در زمینه موسیقی بین‌المللی است. ارزش نهاده ى مثل خانه سینما، به‌هیچ‌وجه قابل قیاس با ارکستر سمفونیک پایتخت یک کشور نیست، چراکه خانه سینما یک نهاد نیمه‌خصوصى صنفى است و عدم وجود آن نمی‌تواند صدماتى جدى به هنر سینما وارد کند، در حالی که ارکستر سمفونیک پایتخت در جایگاه اصلی هنر موسیقى کشور است و فقدان آن، آبروى موسیقایی یک کشور را لک‌دار می‌کند. به‌همین دلیل از دولت جدید این انتظار می‌رفت که مشکلات هنرى کشور را اولویت‌بندى کرده و ابتدا به حل مشکلات اساسى مهم‌تر می‌پرداخت، در سال‌های اخیر، خبرهای مربوط به حاشیه‌های ارکستر سمفونیک تهران، در خبرگزاری‌های کشورمان دیده می‌شد؛ ارکستری ۷۰ساله که آبرو و مهم‌ترین سرمایه موسیقی کلاسیک ایران بود و کم‌کم از صحنه موسیقی ایران حذف شد، امروز شاید بزرگ‌ترین کاستی‌ای که گریبان دولت جدید را در زمینه فرهنگ گرفته است، مشکل ارکستر سمفونیک تهران باشد و عجیب اینجاست که با گذشت چند ماه از استقرار دولت جدید، هنوز حداقل به سازوکار سابق برای بازگشایی این ارکستر، رجوع نشده است! تا ارکستر تمرین‌های خود را از سر بگیرد. در این مطلب قصد داریم معضلاتی که این ارکستر را رو به نابودی کشاند، مرور کنیم و به چگونگی بوجودآمدن وضعیت موجود بپردازیم.

تغییر بی‌درپی رهبران

ارکستر سمفونیک تهران در ۱۲ سال گذشته، چندین بار با تغییر رهبر مواجه بود. در دهه ۸۰ که رهبری دایم و مدیریت هنری ارکستر به‌دست فردون ناصری بود، این هنرمند به دلیل کپوات سن قدرت رهبری ارکستر را از دست داد، ولی رهبری دایم ارکستر را به کسی واگذار نکرد. در این سال‌ها رهبرانی به‌صورت رهبر میهمان حلی به‌صورت طولانی‌مدت با ارکستر کار کردند، ولی نبود اسلجام و برنامه‌ریزی طولی‌مدت، ارکستر را در حالتی ساکن با نظر تکنیک و ریزرئو نگه داشت. پس از درگذشت فردون ناصری، ارکستر مدتی به رهبری دایم «علی رهبری» مشغول به‌کار شد که پیشرفت چشمگیری در فعالیت‌های این ارکستر دیده شد. به روی کارآمدن دولت محمود احمدی‌نژاد، علی رهبری کنار گذاشته و نادر مشایخی جایگزین او شد. نادر مشایخی و ایرج صهبایی پیش از این مدتی ارکستر سمفونیک تهران را رهبری کرده بودند و حتی شایع شده بود که قرار است رهبر دایم ارکستر سمفونیک تهران باشند ولی بدون هیچ اطلاعیه رسمی از طرف ارشاد، کنار گذاشته شدند؛ نادر مشایخی مانند دوره قبل رهبری‌اش که ارکستر سمفونیک را به خارج از کشور، به این‌بار نیز در یک اقدام عجیب، با وجود ضعف بسیار بالای ارکستر در هماهنگی و تکنیک اجرایی، ارکستر را به آلمان برد. مشایخی بعد از چند اجرای ضعیف با ارکستر سمفونیک تهران، کنار گذاشته شد و پس از آن رهبری ارکستر به‌منوچهر صهبایی رسید. منوچهر صهبایی با برگزاری تمرین‌های هدفمند، منظم، وضیعت ارکستر سمفونیک را بهبودی بیشتری بخشید ولی اجرهای بی‌درپی برنامه‌های سفارشی و کم‌ارزش ارکستر سمفونیک تهران، مثل تمرینات منظم بود. سال ۱۳۸۸ و پس از وقایع انتخابات طی یک برنامه‌ریزی نامناسب و دستپاچه، ارکستر سمفونیک به اروپا سفر کرد که در این سفر، اختلالی در برنامه ارکستر سمفونیک بوجود آمد و حرف و حدیث‌ها درباره این ارکستر بالا گرفت. کمتر از یکسال‌وَنیم از سفر این ارکستر به اروپا، منوچهر صهبایی نیز کنار گذاشته شد و رهبران میهمان سکان رهبری ارکستر را در دست گرفتند. عدم برنامه‌ریزی درازمدت برای ارکستر از طرف رهبران میهمان، ضربات قابل توجیه به ارکستر وارد کرد و ارکستری که می‌رفت به جایگاه تکنیکی و اعتباری خود در گذشته برگردد، دچار افت کیفی بالای شد.

کنسرت‌های سفارشی

ارکستر سمفونیک تهران از همان سال‌های اولیه انقلاب مجبور به اجرای قطعات سفارشی دولت شد که حاوی شعارهای انقلابی روز بود اما همواره رهبران این ارکستر نمی‌گذاشتند که ارکستر از برنامه کلاسیک خود دور شود و همیشه (بجز در جشنواره فجر) ریزرئو را استاندارد ارکسترهای جهان را در برنامه‌ها می‌گنجانند. این رویه تا سال‌ها ادامه داشت تا اینکه در دولت محمد خاتمی برنامه‌های کاملاً سفارشی وارد ریزرئو ارکستر سمفونیک تهران شدند؛ برنامه‌هایی که از نظر آشنایی در کشور، به سطح پایینی بودند و فقط در مناسبت‌هایی به اجرا گذاشته می‌شدند. در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، این برنامه‌ها به برنامه اصلی ارکستر سمفونیک تبدیل شد و دیگر کمتر ریزرئو را استاندارد ارکستر سمفونیک‌های دنیا مورد استفاده قرار گرفت.

قرارداد نوازندگان

سازمان ارکستر سمفونیک تهران از زمان به‌وجودآمدن بنیاد رودکی اولین ترازل جدی خود را تجربه کرد. بنیاد رودکی در سال ۱۳۸۲ به‌صورتی نهاده ى خصوصی آغاز به کار کرد و بخشی از وظایف وزارت ارشاد را در قبال این ارکستر برعهده گرفت. این دودستگی در اداره ارکستر و تغییر وضیعت قراردادهای نوازندگان، مدیریت ارکستر را دچار سرگردمی کرد. در دو سال اخیر وضیعت قرارداد نوازندگان از روش سابق به دستمزد برای هر برنامه تغییر کرد، به‌صورتی که حدود ۱۰ درصد از نوازندگان ارکستر حقوق ثابت دریافت می‌کردند و بقیه نوازندگان، بعد از هر کنسرت دستمزد دریافت می‌کردند. این روش تمرین ارکستر را محدود به چند روز تمرین پیش از کنسرت کرد که مهم‌ترین دلیل از به‌نام‌نشین ارکستر سمفونیک، پیاده‌شدن این برنامه ناخبرانه بود. هرچند مقامات دولتی، هیچ‌گاه خبر رسمی تعطیلی ارکستر سمفونیک تهران را تایید نکردند و سعی کردند با برگزاری سالی یک کنسرت در جشنواره فجر، ارکستر را زنده نشان دهند، ولی امروز اهالی موسیقی و مردم به‌خوبی می‌دانند که دیگر ارکستر سمفونیک تهران وجود ندارد.